

سنجش

در نظام

آموزش و پرورش فنلاند

هوشنگ غلامی

نظام آموزشی فنلاند سال‌هاست به‌عنوان آموزش و پرورش برتر و خلاق در بین نظام‌های آموزشی کشورهای جهان مطرح است. بیشتر شاخص‌های یک نظام آموزشی پویا، منعطف، قوی و هدفدار را در نظام آموزشی کشور فنلاند می‌بینیم. در بحث و بررسی کم و کیف نظام‌های آموزش و پرورش در جهان، نظام آموزشی فنلاند از هر نظر از جمله محوری‌ترین و مطرح‌ترین نظام‌هاست.

به این مناسبت، مؤسسه فصل مهر چهارمین وبینار از «نظام آموزشی فنلاند برای معلم ایرانی» را به این موضوع اختصاص داد. در این وبینار دکتر اسماعیل عظیمی تجربه خود را در زمینه سنجش و ارزشیابی از این کشور بیان کرده است که با هم پی می‌گیریم.

هدف سنجش

طبق ماده شصت و پنجم از قوانین پایه، هدف از سنجش یادگیرندگان در فنلاند، در واقع راهنمایی و ترغیب آنان به توسعه ظرفیت‌های فردی برای انجام خودسنجی است. خودسنجی را که ما به‌عنوان یک روش در نظر می‌گیریم، در بطن قانون قرار داده‌اند. آنجا روی این موضوع تأکید می‌شود که مدرسه در ایجاد و شکل‌گیری این خودمفهومی یادگیرندگان از طریق سنجش و ارزیابی نقش اساسی دارد تا دانش‌آموزان و یادگیرندگان به ویژگی‌ها و توانایی‌هایشان پی ببرند، در

یادگیریشان تأمل کنند و در نهایت و غایت سنجش و ارزیابی، به مهارت خودسنجی و خودفهمی و به نوعی خودشناسی، آنچنان که در فرهنگ ما وجود دارد، برسند.

فضای حمایتی برای بروز توانایی‌ها

فرهنگ سنجشی که در مدرسه‌های فنلاند وجود دارد، فضایی حمایتی ایجاد می‌کند تا دانش‌آموزان بتوانند نهایت توانایی‌های خود را بروز بدهند. ویژگی دیگر این فرهنگ آن است که روشی تعاملی و گفت‌ووشنودی توصیه می‌شود که

بتوانیم یادگیری را در یادگیرندگان تحقق بخشیم. ویژگی بعدی این فرهنگ سنجش و نکته حساسی که فنلاندی‌ها همیشه در نظر دارند، سنجش عادلانه و اخلاقی است. اینکه عدالت و اخلاق در سنجش رعایت شود. تأکید بعدی آن‌ها در این عرصه، بر روش‌های گوناگون سنجش است. در اسناد آن‌ها بسیار مشاهده می‌کنیم که بر استفاده از ابزارهای گوناگون تأکید شده است. همچنین، به کارگیری روش‌هایی از جمله خودسنجی، همسان‌سازی و در واقع روش‌های شفاهی، کتبی، عملکردی و استفاده از منابع با جمع‌آوری شواهد لازم مورد توجه ویژه است.

■ سنجش، قوه محرکه یادگیری

تأکید و توجه جدی بعدی آن‌ها، یادگیری برای سنجش است که امروزه رویکرد مورد تأکید متخصصان حوزه سنجش و ارزیابی است که ما در اصل سنجش را قوه محرکه یادگیری در نظر بگیریم. این سنجش که در فرایند کلاسی به‌طور دائم اتفاق می‌افتد، باید بتواند یادگیرندگان را به سمت یادگیری مدنظر ما حرکت بدهد.

مورد دیگر، استفاده از اطلاعات به دست آمده از سنجش برای ارتقای مدرسه و طراحی آموزشی است. آنجا فقط سنجش نمی‌کنند که کار سنجش را انجام داده باشند، بلکه از داده‌های به دست آمده، در طرح‌های آموزشی و امور دیگر مدرسه استفاده می‌شود.

موضوع دیگر، استفاده از تجربه‌های شکست‌ها برای رسیدن به موفقیت‌هاست. فنلاندی‌ها به‌طور دائم تأکید می‌کنند که شکست‌ها پایه‌های موفقیت ما هستند و ما با تأکید بر نقاط قوت و توانایی‌های یادگیرندگان می‌توانیم آن‌ها را به موفقیت و پیشرفت برسانیم.

در آنجا بر مشارکت بین خانه و مدرسه بسیار تأکید می‌شود. در واقع سرپرستان دانش‌آموزان باید در جریان اطلاعات به دست آمده از سنجش قرار بگیرند و مدرسه و معلم بتوانند طی جلساتی این شفافیت را برسانند. مهم‌ترین نکته و ویژگی که به خود معلم برمی‌گردد، این است که سنجش و ارزیابی به‌عنوان یک منبع می‌تواند به معلم کمک کند بتواند در کار خودشان تأمل کنند و آموزش خود را با نیازهای یادگیرندگان تطبیق دهند.

■ سنجش فنلاندی، معیاری برای رشد

سنجش فنلاندی یک مجموعه اصول را دنبال می‌کند. یکی اینکه سنجش در فنلاند کاملاً بر پایه اهداف و معیارهایی قرار دارد که در برنامه‌های درسی مرکزی آن‌ها شکل گرفته است. آنجا روی این موضوع تأکید می‌شود و معیارهایی برای رشد دانش‌آموزان و انتقال آن‌ها از دوره‌ای به دوره دیگر و از پایه‌ای به پایه‌ای دیگر ارائه می‌شود. خود دانش‌آموزان باید در جریان اهداف آموزشی قرار بگیرند و از ارزشیابی باید استفاده شود تا دانش‌آموزان درکی از این اهداف پیدا کنند و برای خودشان

طرح و نقشه داشته باشند که چگونه به این اهداف و معیارها برسند. همچنین، تأکید شده است که معلمان حتماً نسبت به سن، ظرفیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیر باشند و از روش‌های متنوع سنجشی استفاده کنند که حتماً با سن و ظرفیت بچه‌ها متناسب باشند.

■ رفتارسنجی توصیفی

در مدرسه‌ها، در کنار یادگیری و مهارت‌های کاری که معلمان از دانش‌آموزان در موضوع‌های گوناگون می‌سنجند، رفتارهای آنان را هم می‌سنجند، چیزی که ما به‌عنوان انضباط در نظر می‌گیریم و ارزشیابی کاملاً به‌صورت توصیفی قید می‌شود، هر چند مدارس می‌توانند نوع نمره‌ای آن را هم انتخاب کنند. در حقیقت، سنجش رفتار، یا نمره انضباط از نظر ما هیچ وقت در کارنامه‌ها نمی‌آید و تنها به والدین و خود یادگیرنده ارائه می‌شود و روش‌هایی برای بهبود رفتار در کنار آن به او ارائه می‌شود. معلمان مجاز نیستند به ویژگی‌های شخصیتی و شخصی یادگیرندگان بپردازند.

■ تأکید بر ارزشیابی تکوینی

موضوع دیگری که می‌توان در فنلاندی‌ها دید، تأکید بیش از حد بر ارزشیابی تکوینی است. می‌دانیم که هدف این ارزشیابی، اصلاح یادگیری است. آن‌ها بسیار تأکید دارند که معلمانشان از این سنجش برای بهبود و اصلاح یادگیری استفاده کنند. معلمان فنلاندی از ابزارهایی استفاده می‌کنند که کار ارزشیابی تکوینی را با ابزارها و روش‌های جذاب انجام می‌دهند. مثلاً یک برنامه کاربردی (اپلیکیشن) را فقط برای این انتخاب کرده بودند که چگونه به یادگیرندگان بازخورد بدهند و شواهد متنوعی برای یادگیرندگان فراهم کنند. با این کار، سنجش از آن حالت کسل و خسته‌کننده بیرون می‌آید و به فرایند یادگیری جذابی تبدیل می‌شود که به رشد یادگیری یادگیرندگان کمک می‌کند. در مورد نمره‌دهی هم در یک مقیاس یک تا هشت، دانش‌آموزان می‌توانند نمره کمی دریافت کنند. ارزشیابی مراحل اولیه آموزش پایه، یعنی سال‌های اول تا هفتم، هم می‌تواند به‌صورت توصیفی انجام شود و هم به‌صورت نمره‌ای. در واقع شهرداری‌ها و مقام‌های محلی در این باره تصمیم می‌گیرند. البته بدون استثنا می‌توانم بگویم، در آنجا نوعی ارزشیابی توصیفی و کیفی در حال انجام است. اما در پایه‌های هشتم و نهم ارزشیابی باید به‌صورت عددی باشد. یک نمره و امتیاز بین یک تا هشت داده می‌شود که نمره هشت نشان‌دهنده عملکرد بسیار خوب و نمره پنج نشان از عملکرد مرزی و قابل ارتقا برای دانش‌آموز است. همچنین، می‌توانیم از نمره ۵ برای ارتقا به پایه بالاتر استفاده کنیم. اما نمره ۴ نشان‌دهنده افتادن و مردود شدن در آن درس است. اما اگر در اهداف دیگر نمره بالاتر از ۵ بگیرد، می‌تواند اهداف دیگرش را که نمره کم گرفته است، پوشش بدهد و ارتقا پیدا کند.